

سه دهه «توسعه انسانی» و چشم انداز آن در دهه ۱۹۹۰

(نخستین گزارش برنامه عمران ملل متحد درباره دستاوردهای انسانی توسعه)

ترجمه محسن اشرفی



حیات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه. البته مردم به عنوان یکی از اهداف خود خواهان درآمد بیشتر هستند، اما بدست آوردن پول تمامی زندگی افراد جامعه بشری نیست.

در واقع چنین زاویه دیدی نسبت به توسعه انسانی آنقدرها هم تازه نیست. این اندیشه که نظامهای اجتماعی باید از طریق گستردگی و افزایشی که در «رفاه انسان» پدید می آورند مورد قضاوت قرار گیرند، حداقل به دوران ارسطو برمی گردد. وی نیز بر ضد قضاوت در مورد جوامع صرفاً از طریق عواملی مانند درآمد و ثروت - که آنها را نه هدف بلکه وسیله ای برای دستیابی به اهداف دیگر در نظر می گیرد - هشدار می دهد: «از قرار معلوم ثروت هدفی نیست که در جستجوی آنیم، زیرا داشتن آن صرفاً بخاطر چیز دیگر مفید است.»

ارسطو می گفت: «تفاوت بین يك نظام سیاسی خوب و نظام سیاسی بد را باید از طریق کامیابی و شکست آنها در فراهم آوردن امکان زندگی شگوفان برای مردم سنجید» در نوشته های فیلسوفان متاخر نیز بشریت به عنوان هدف واقعی همه فعالیتها بصورت

ممکن است این امر واقعیت ساده ای جلوه کند، اما در دلمشغولی های روزمره برای تولید و انباشت مایحتاج روزانه و دارایی های مالی به فراموشی سپرده شده است.

ملاحظات و مشکلات فنی روش های تعیین سطح توسعه انسانی - و استفاده از مجموعه های کلی آماری برای تعیین درآمد ملی و نرخ رشد آن - این حقیقت را که هدف بنیادین توسعه بهتر ساختن زندگی مردم است برای مدتی طولانی به فراموشی سپرد. دو علت برای این فراموشی وجود دارد: اول آنکه ارقام درآمدهای ملی با وجود آنکه برای بسیاری از زیایها مفید هستند اما ترکیب این درآمدها، ویا بهره برندگان واقعی آن را مشخص نمی سازند؛ دوم اینکه غالباً دستاوردهایی از توسعه برای مردم ارزشمندند که ارقام کلی درآمد [ملی] و یا نرخ رشد آن، آنها را اصلاً - و یا حداقل بلافاصله - نمایش نمی دهند؛ تغذیه بهتر؛ خدمات بهداشتی افزونتر؛ دسترسی بیشتر به دانش و آگاهی؛ سکونتگاههای مطمئن تر؛ شرایط کاری مناسبتر؛ امنیت در مقابل تعدی و صدمات جسمی؛ لذت بردن از ساعات فراغت و احساس مشارکت در فعالیتها و

ارتقاء زندگی انسانها به سطحی که در آن عزت نفس بشری حفظ شده و امکان بروز خلاقیت نهفتند در نهاد بشر فراهم گردد، همواره از دیدگاه گروه وسیعی از متفکرین به عنوان نتیجه نهایی توسعه اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است. مطلب حاضر که بخش اول گزارش برنامه عمران ملل متحد درباره دستاوردهای انسانی توسعه است تاکید بر مطلب بالا را با چگونگی سنجش نتایج انسانی توسعه همراه کرده و در خلال متن عدم وجود ارتباطی الزامی بین افزایش تولید ناخالص ملی را با بهبود عمومی در زندگی انسانها مطرح می کند: عدم ارتباطی که دیدگاههای صرفاً هوادار «رشد» به آن توجهی ندارند و... «واقعیت» برترین داور است.



مردم ثروت واقعی ملتها هستند و هدف بنیادین توسعه خلق شرایطی است که امکان يك زندگی طولانی، همراه با سلامتی و خلاقیت را برای مردم فراهم سازد.

توضیح يك

تعریف توسعه انسانی

توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد بشر افزایش می یابد. هرچند این امکانات با مرور زمان می تواند اساسا دچار تغییر در تعریف شوند، اما در کلیه سطوح توسعه، مسئله بنیادین برای مردم عبارتند از: برخورداری از زندگی طولانی و همراه با تندرستی؛ دستیابی به دانش؛ و توانایی نیل به منابعی که برای پدیدآوردن سطح مناسب زندگی لازم است. چنانچه این سه امکان غیر قابل حصول بمانند، بسیاری از موقعیت های دیگر زندگی دست نیافتنی خواهند بود.

اما مسئله توسعه انسانی به همین جا ختم نمی شود، امکانات دیگری نیز نزد مردم از ارزش والایی برخوردارند. مانند: آزادی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، داشتن موقعیت برای دستیابی به نقش خلاق و سازنده، و برخورداری از حق حفظ عزت نفس انسانی و حقوق انسانی تضمین شده.

توسعه انسانی دارای دوجنبه و بعد است شکل گیری قابلیت های انسانی مانند سلامتی، دانش و مهارت بهتر، و استفاده ای که مردم می توانند از این قابلیت های خویش - برای اوقات فراغت، دنبال کردن اهداف سازنده، فعالیت در امور اجتماعی، فرهنگی و سیاسی - ببرند. اگر توسعه انسانی بتواند این دوجنبه را متعادل سازد، احتمالا زندگی انسانی در سطح وسیعی دچار رکود و زوال خواهد شد.

طبق این مفهوم از توسعه انسانی، افزایش سطح درآمد صرفا بخشی از خواسته های مردم را شامل می شود و هرچند به مثابه يك خواست مهم آنان است، اما همه زندگی آنها در ارزیابی افزایش سطح درآمد نمی گذرد، بنابراین توسعه باید چیزی بیشتر از افزایش صرف درآمد و ثروت باشد. هدف توسعه باید مردم باشند.

يك موضوع دائما تکرار شونده درآمده است... نظیر همین علائق را می توان در نوشته های پیشگامان اولیه اقتصادسنجی - ویلیام پتی، گریگوری کینگ، فرانسیس کوسنی، آنتونی لاوسیه، و ژوزف لاگرانژ - که نیاکان محاسبه و بررسی تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی هستند جستجو کرد. وجود این اصل در نوشته های پیشگامان اقتصاد سیاسی - آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، رابرت مالتوس، کارل مارکس، و جان استوارت میل - نیز به روشنی دیده می شود.

اما مشغولیت فزاینده به موضوع رشد تولید ناخالص ملی و حسابهای درآمد ملی زمینه قدرتمند این موضوع را نادیده گرفته و با پرداختن صرف بر روشها، از تمرکز بررسی روی نتایج [رشد تولید ناخالص ملی] غافل مانده است.

تجربیات اخیر توسعه، يك بار دیگر لزوم ابراز توجه بیشتر به ارتباط بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی را به دلایل گوناگونی مطرح کرده است:

● بسیاری از کشورهای سریعآ در حال رشد متوجه شده اند نرخهای بالای رشد تولید ناخالص ملی آنان در کاهش ناملايمات و فقر اجتماعی و اقتصادی بخش اعظمی از جمعیتشان ناکام مانده است.

● حتی ملت های صنعتی فهمیده اند که درآمدهای بالا نمی تواند مانعی در مقابل گسترش فزاینده مسایلی چون مصرف مواد مخدر، الکلیسم، ایدز، بی خانمانی، جنایت و گسستگی روابط خانوادگی باشد.

● در عین حال برخی کشورهای کم درآمد نشان داده اند چنانچه منابع در دسترس با مهارت در جهت توسعه قابلیت های انسانی مصرف شود می توان به سطوح بالایی از توسعه انسانی دست یافت.

● تلاشهای انجام شده برای توسعه انسانی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه را بحران اقتصادی دهه ۱۹۸۰ و برنامه های تعدیل متعاقب آن شدیدآ زیر فشار قرار داده است.

بنابراین، تجربیات اخیر توسعه یادآور قدرتمندی است از اینکه گسترش تولید و ثروت صرفا يك وسیله است و پایان روند توسعه، باید رفاه و آسایش بشریت باشد. پس باید چگونگی مرتبط ساختن راههای نیل به این هدف نهایی يك بار دیگر بصورت اصل مرکزی تحلیل و برنامه ریزی توسعه درآید.

چگونه می توان رشد اقتصادی را در جهت منافع مردم شکل داد؟ اگر قرار باشد نه کالاها، بلکه مردم بخش اساسی توجه ملی را به خود جلب کنند چه اصول جانشین و استراتژی هایی مورد نیازند؟ گزارش حاضر به این مسائل می پردازد.

تعریف توسعه انسانی

توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات مردمان گسترش می یابد اساسی ترین این امکانات عبارتند از داشتن زندگی طولانی و توام با سلامتی، فراگرفتن دانش، و برخورداری از سطح زندگی مناسب.

امکانات ثانویه عبارتند از آزادی سیاسی، رعایت تضمین شده حقوق بشر، و حفظ عزت نفس، یعنی همان چیزی که آدام اسمیت آنرا «توانایی آمیزش با مردم بدون شرمگین گشتن از ظاهر شدن بین عموم» نامیده است. (توضیح يك)

برخی اوقات عنوان شده است که درآمد جانشین مناسبی برای سایر امکانات انسانی بشمار می رود.

زیرا دستیابی به درآمد نیل به سایر امکانات را مقدور می سازد. این گفته به دلایل متعدد فقط تا حدودی صحیح است:

● درآمد يك وسیله است نه هدف. آنرا می توان به مصرف داروهای حیاتی و یا مواد مخدر مرگ آور رساند، رفاه و سعادت يك جامعه به استفاده هایی که می تواند از درآمدها به عمل آورد بستگی دارد نه به سطح خود این درآمدها.

● تجربیات کشورها نشانگر وجود نمونه های متعددی از سطح بالای توسعه انسانی با وجود درآمدهای نسبتا پائین، و سطوح نازل توسعه انسانی حتی با وجود سطوح درآمدی بسیار بالا است.

● ممکن است درآمد فعلی يك کشور برای چشم انداز رشد آتی آن راهگشای عمده ای نباشد، اما اگر این درآمد از قبل روی مردم کشور سرمایه گذاری شده بود می توانست درآمد بالقوه بسیار بیشتری از آنچه سطح جاری نشان می دهد حاصل نماید و برعکس.

● مشکلات چند جانبه انسانی در بسیاری از کشورهای صنعتی و ثروتمند نشانگر آن است که سطوح بالای درآمد بخودی خود تضمینی برای پیشرفت انسانی نیست.

حقیقت ساده این است که ارتباط مستقیمی بین رشد درآمد و پیشرفت و بهبود زندگی بشری وجود ندارد. مشغولیت عمده تحلیل و بررسی در موضوع توسعه باید این باشد که چگونه می توان چنین ارتباطی را خلق و آنرا تقویت کرد.

اصطلاح توسعه انسانی در اینجا هم جریان گسترش امکانات انسانی و هم سطح رفاه فراهم شده، انسانها را در برمی گیرد. این اصطلاح همچنین به متمایز ساختن و روشن تر کردن دو جنبه توسعه انسانی کمک می رساند. یکی از این دو جنبه شکل دادن قابلیت های انسانی مانند وضعیت بهداشت، سلامتی، و آموزش بهتر است، و جنبه دیگر استفاده ای است که مردم از قابلیت های بدست آمده خویش برای کار و اوقات فراغت بعمل می آورند. چنین نگرشی به توسعه از دیدگاه های سنتی مربوط به رشد اقتصادی، تشکیل سرمایه انسانی، توسعه منابع انسانی، رفاه انسانی و یا

تأمین نیازهای حیاتی بشری متمایز است. برای جلوگیری از هرگونه سردرگمی لازم است این تمایزات به روشنی بیان شوند:

● در اینجا با رشد تولید ناخالص به عنوان عنصری لازم اما غیر کافی برای توسعه انسانی برخورد شده است. ممکن است در برخی از جوامع با وجود رشد سریع تولید ناخالص ملی و یا بالا بودن درآمد سرانه، توسعه و پیشرفت انسانی صورت نگیرد، مگر اینکه قدمهای دیگری برداشته شوند.

● تئوری های تشکیل سرمایه انسانی و توسعه منابع انسانی بشر را اساسا به عنوان ابزار و وسیله در نظر می گیرند نه هدف و غایت امر این تئوری ها تنها نگران جنبه عرضه هستند: بشر ابزاری است برای تولید بیشتر کالایی. حقیقت آن است که در اینجا ارتباطی وجود دارد، زیرا افراد بشر عوامل مؤثری برای همه نوع تولیدی بشمار می روند، اما در تولید کالایی، ابناي بشری چیزی بیشتر از يك کالای سرمایه ای هستند. آنها علاوه برعامل مؤثر در تولید بودن، هدف نهایی و بهره برندگان از جریان توسعه نیز محسوب می شوند. بنابراین مفهوم تشکیل سرمایه انسانی (و یا توسعه منابع انسانی) تنها يك جنبه از توسعه انسانی را مد نظر دارند نه کلیت و تمام آن را.

● دیدگاه های مبتنی بر رفاه انسانی، بشر را بیشتر از آنکه به عنوان شرکت کننده صرف در جریان توسعه نگاه کنند، بصورت بهره گیرنده روند توسعه می بینند. این دیدگاه بجای سیاست های مبتنی بر ساختار تولید، بر سیاست های توزیع [امکانات] تاکید دارد.

● دیدگاه نیازهای حیاتی غالبا نظر خود را بر گروهی از کالاها و خدمات متمرکز می سازد که گروه های فقیر جمعیتی نیاز بیشتری به آن ها دارند: غذا، مسکن، پوشاک، مراقبتهای بهداشتی و تأمین آب سالم. این دیدگاه بجای متمرکز کردن توجه خود بر مسأله امکانات و حق انتخاب انسان آنرا بر تأمین این نوع کالا و خدمات متمرکز می سازد.

برعکس، توسعه انسانی تولید و توزیع کالاها و توسعه استفاده از قابلیت های بشری را در کنار هم قرار می دهد. این دیدگاه توجه خود را بر امکانات نیز متمرکز می سازد، و بر چیزهایی که مردم باید داشته

باشند، صفاتی که باید کسب کنند، و کارهایی که باید بکنند تا قادر به اداره زندگی خود شوند تأکید می‌کند. علاوه بر آن دیدگاه توسعه انسانی نه تنها به ارضای نیازهای اساسی می‌انديشد، بلکه توسعه انسانی را به عنوان روندی پویا و مبتنی بر مشارکت تلقی می‌کند، این دیدگاه با هر دو نوع جوامع کم توسعه یافته و عمیقاً توسعه یافته کار دارد.

در نتیجه، توسعه انسانی بگونه‌ای که در این گزارش تعریف می‌شود بسیاری از تلقی‌های پیشین درباره توسعه انسانی را در بر دارد. این تعریف گسترده از توسعه انسانی، درک بهتر از پیچیدگی زندگی بشری - بسیاری از مسایل مبتلا به مردم و بسیاری تمایزات فرهنگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زندگانی انسانها در سراسر جهان - را ممکن می‌سازد.

اما گستردگی تعریف، برخی مسایل را نیز برمی‌انگیزد: آیا توسعه انسانی قابل اندازه گیری و کمیت پذیر است؟ آیا می‌توان آنرا برنامه ریزی و هدایت کرد؟

سنجش مقداری در توسعه انسانی

در هر گونه نظام اندازه گیری و هدایتی توسعه انسانی، حالت ایده آل این خواهد بود که نظام شامل متغیرهای متعددی باشد تا بدست آوردن تصویری هرچه جامعتر امکان پذیر شود. اما فقدان فعلی آمارهای مربوط مانع این امر می‌شود. البته چنین جامعیتی کاملاً هم مطلوب نمی‌بود، زیرا وجود تعداد زیاد عوامل و متغیرها می‌تواند تصویری گیج کننده بدست دهد و شاید سیاستگذاران را از جریان اصلی دور کند. بنابراین تأکید باید روی موضوعات حیاتی و اساسی باشد.

شاخص های کلیدی

گزارش حاضر بر آن است که در حال حاضر سنجش توسعه انسانی باید بر سه عنصر بنیادین از حیات بشری متمرکز شود: طول عمر، کسب دانش و برخورداری از سطح مناسب زندگی.

برای جزء نخست - طول عمر - امید به زندگی در هنگام تولد به عنوان شاخص در نظر گرفته می‌شود، اهمیت امید به زندگی در این اعتقاد عمومی نهفته است که داشتن عمر طولانی بخودی خود ارزشمند است و همچنین این واقعیت که مزایای غیرمتسقیم مختلف زندگی انسانی (همانند تغذیه کافی و بهداشت خوب) بستگی بسیار نزدیکی با امید به زندگی دارند. این بستگی، امید به زندگی را به شاخص مهمی در توسعه انسانی تبدیل می‌کند، بویژه آنکه در حال حاضر فقدان اطلاعات جامع درباره وضعیت بهداشت و سلامت و تغذیه مردم عمومیت دارد. (توضیح دو)

آمارهای میزان باسوادی برای جزء کلیدی دوم - دانش - صرفاً بازتاب خامی از میزان دسترسی به آموزش به شمار می‌رود و بویژه در مورد آموزش دارای کیفیت بالا که برای زندگی مبتنی بر تولید و سازندگی در جوامع مدرن لازم است کافی نیست. اما با سوادی نخستین گام فرد در فراگیری دانش است، و در نتیجه میزان باسوادی در هر گونه سنجش توسعه انسانی اساسی است. در شاخص‌های پیچیده تر، باید به میزان افزایش افراد دارای تحصیلات عالتر نیز اهمیت داد. با این حال در توسعه بنیادین انسانی، میزان باسوادی به عنوان روشترین شاخص باقی می

توضیح دو

زندگی انسان چه ارزشی دارد؟

استفاده از امید به زندگی به عنوان یکی از شاخص های عمده توسعه انسانی به خاطر سه موضوع است: ارزش ذاتی طول عمر، ارزش آن در کمک به انسانها در دنبال کردن اهداف مختلف، و وابستگی آن به سایر مشخصه های زندگی از قبیل سلامتی رضایت بخش و تغذیه کافی. اهمیت امید به زندگی اساساً به ارزشی مربوط است که مردم به زندگی دراز و شادکامانه می‌دهند. در کشورهایی که معمولاً طول عمر از زمانهای گذشته به نسبت زیاد بوده است، تورسین ها به راحتی از میزان ارزش عمر طولانی غافل می‌مانند. در واقع هنگامی که امید به زندگی بسیار زیاد است تلاش برای طولانی ساختن زندگی افراد احتمالاً بنظر برخی، تلاش بیهوده ای است. اما بهر حال زندگی مردم کمتر سعادتمند جهان توسط نگرانی، ترس، محرومیت، و وحشت مرگ زودرس تلخ می‌شود. اینگونه افراد بدون شك ارزش والا تری برای طول عمر قائل هستند. طول عمر به دنبال کردن برخی از دیگر اهداف ارزشمند زندگی کمک می‌کند. البته ممکن است داشتن عمر طولانی تنها هدف مردم در زندگی نباشد، بلکه سایر خواستها و آرزوهای آنها به داشتن عمری طولانی بستگی داشته باشد. که از طریق آن می‌توانند قابلیت‌های خود را افزایش داده و برای به اجرا درآوردن اهدافشان از نیروی فکری خود مدد بگیرند. طول عمر بستگی مستقیمی با تغذیه کافی، سلامت جسم در حد مناسب، و تحصیلات و سایر دستاوردهای ارزشمند بشری دارد. در نتیجه امید به زندگی وسیله سنجش مناسبی است برای متغیرهای متنوع دیگری که در توسعه انسانی نقش دارند.

توضیح سه

میانگین های ملی چه واقعیت هایی را پنهان می سازند؟

میانگین های درآمد سرانه اغلب پنهان کننده سطوح گسترده ای از محرومیت انسانها هستند، جدول زیر وضعیت کشورهای باناما، برزیل مالزی و کاستاریکا را در این زمینه نشان می‌دهد. این کشورها بر حسب میزان سرانه تولید ناخالص ملی در جدول زیر مرتب شده اند. چنانچه ارقام تولید ناخالص ملی نسبت به متغیرهای مربوط به قدرت خرید در کشورهای مختلف تصحیح شوند، رتبه بندی کشورها تا حدودی تغییر کرده و به صورت برزیل، باناما، مالزی و کاستاریکا در می‌آید. در صورتیکه اصلاحات توزیعی نیز در مورد ضریب جینی هر کشور اعمال شود، دسته بندی اولیه بکلی تغییر جهت داده و به کاستاریکا، مالزی، برزیل و باناما تبدیل می‌شود. ارزش متوسط باسوادی، امید به زندگی و سایر شاخص ها را نیز می‌توان بطریق مشابهی اصلاح کرد و مقالات فنی بسیاری در این مورد نوشته شده است. در صورتیکه نابرابری ها در کاهش ارزش و مطلوبیت ارقامی که بصورت متوسط ارائه می‌شوند اثر کاهنده داشته باشد، می‌توان این ارزش متوسط را با استفاده از روشهایی که اثرات نابرابری ها را در تعیین میانگین ها اعمال می‌کند اصلاح و تعدیل کرد. چنین تصحیحاتی که به موضوع توزیع مربوط می‌شوند می‌توانند تغییرات وسیعی در نتیجه برآورد عملکرد کشورها حاصل کنند.

کشور	سرانه تولید ناخالص ملی (دلار آمریکا) ۱۹۸۷	سرانه واقعی تولید ناخالص ملی (تعدیل شده توسط قدرت خرید مبتنی بر بهای دلار بین المللی) ۱۹۸۷	ضریب نابرابری جینی
باناما	۲۲۴۰	۴۱۰	۰/۵۷
برزیل	۲۲۰	۴۳۱۰	۰/۵۷
مالزی	۱۸۱۰	۲۸۵۰	۰/۴۸
کاستاریکا	۱۶۱۰	۳۷۶۰	۰/۴۲

حاصل از نرخهای مبادله غیرمتعارف، تعرفه ها و مالیاتها، اطلاعات مربوط به درآمد سرانه راه قیمت های اسمی به دست می‌دهد که برای مقایسه در سطح بین المللی زیاد مناسب نیستند. اما بهر حال چنین اطلاعاتی می‌توانند با استفاده از ارقام تولید داخلی سرانه واقعی که توسط قدرت خرید تعدیل شده اند به صورت مطلوبتر درآیند و تخمینهای بهتری را درباره قدرت نسبی خرید کالاها و دستیابی به منابع لازم برای کسب سطح زندگی مناسب بدست دهند.

مسئله دیگر این است که شاخص باید موضوع نزولی بودن تبدیل درآمد به قابلیت ها و امکانات انسانی را منعکس کند. به عبارت دیگر توده های مردم

ماند.

احتمالاً اندازه گیری ساده سومین جزء کلیدی توسعه انسانی - دسترسی به منابع مورد نیاز برای برخورداری از زندگی مناسب - مشکل ترین کار در جریان این بررسی است. این سنجش مستلزم داشتن اطلاعات در مورد میزان دسترسی به زمین، اعتبار، درآمد و سایر منابع است، اما با توجه به کمیابی اطلاعات در مورد بسیاری از این متغیرها باید در حال حاضر بهترین استفاده را از شاخص درآمد به عمل آوریم. در دسترس ترین شاخص درآمدی - درآمد سرانه - همه مردم را در سطح ملی پوشش می‌دهد. اما وجود کالاها و خدمات غیر قابل خرید و فروش و اختلالات

توضیح چهار

چگونگی بدست آوردن يك شاخص توسعه انسانی

محرومیت انسانی و توسعه انسانی وجود فراوان و گوناگونی دارند و بنابراین هرگونه شاخص پیشرفت بشری برای غالب آمدن بر پیچیدگی های این وجوه مختلف باید عوامل و متغیرهای مختلفی را شامل شود. اما وجود عوامل بسیار زیاد در يك شاخص از تمرکز آن جلوگیری کرده و درك و استفاده از آن را مشکل می سازد. از این رو به انتخاب تعداد معدودی از عوامل متغیر نیاز است که تا بین محاسن وسیع بودن حیطه بررسی و محدود بودن آن تعداد از متغیرهایی که حساسیت آنها بیشتر متوجه محرومیت های حیاتی بشری است، تعادلی ایجاد شود.

این گزارش سه نوع محرومیت را مدنظر خویش قرار داده است: کم بودن امید به زندگی، نازل بودن سطح سواد، و قلت درآمد برای داشتن زندگی مناسب. چنانچه داده های قابل مقایسه کافی در دست هر يك از این ابعاد می توانست دقیق تر (بویژه از طریق اعمال اصلاحات توزیعی) و خالص تر باشد، اما با فقدان چنین اطلاعاتی، باید مسیر مستقیمی را در پیش گرفته و از هرگونه توجه گمراه کننده نسبت به تنهایی از جنبه های زندگی بشر - چه اقتصادی و چه اجتماعی - اجتناب کرد.

دو عامل اول - امید به زندگی و میزان باسوادی بزرگسالان - مفاهیمی عمومی و مصطلح هستند، اما عامل سوم - قدرت خرید کالاها برای ارضای نیازهای اساسی - به این اندازه قابل درك نیست. ارقام تولید ناخالص ملی نوعاً برای قیاس های بین المللی بکار می روند و نابرابری قدرت خرید در سطح ملی و با اثرات گمراه کننده نرخهای تبدیل رسمی را به حساب نمی آورند. برای غالب آمدن بر چنین نارسایی هایی، ما در این گزارش، تخمین های تولید ناخالص ملی را که توسط قدرت خرید تعدیل شده است بکار می بریم که استفاده از آن توسط پروژه بین المللی مقایسه قیمت ها (International Price Comparison Project) توصیه شده است. این پروژه کوشش مشترکی است توسط دفتر آمار ملل متحد، بانک جهانی، سازمان آمار جامعه اروپا، سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، کمیسیون اقتصادی اروپا، و اسکاب، که اخیراً آژانس توسعه بین المللی ایالات متحده نیز به آنان پیوسته است. از آنجا که در تبدیل درآمد به برآوردن نیازهای انسانی اثراتی کاهنده وجود دارد، ارقام سرانه تولید ناخالص ملی تعدیل شده و به ارقام لگاریتمی تبدیل شده اند.

برای بدست آوردن يك شاخص مرکب، يك ارزش مینییم (حداکثر محرومیت متقابل يك فرض می شود) و يك ارزش مطلوب و یا کافی (فقدان محرومیت معادل صفر فرض می شود) به هر يك از عوامل اختصاص داده می شود. ارزش های حداقل با اختیار کردن بانین ترین حد رتبه ملی در سال ۱۹۸۷ برای هر عامل انتخاب شدند.

برای امید به زندگی در هنگام تولد، رتبه حداقل معادل ۴۲ سال بود که امید به زندگی در کشورهای افغانستان، اتیوپی و سیرالئون است.

در مورد نرخ باسوادی رقم ۱۲ درصد حداقل بود که به سومالی مربوط است. و برای سرانه تولید ناخالص ملی تعدیل شده توسط قدرت خرید، رتبه حداقل ۲۲۰ دلار بود (معادل ارزش لگاریتمی ۲/۳۴) که به زئیر تعلق دارد.

ارزش مطلوب یا کافی در زمینه امید به زندگی مربوط به ژاپن بود که ۷۸ سال است و نرخ باسوادی نیز ۱۰۰ درصد انتخاب گردید. و متوسط رسمی در آمد «خط فقر» در ۹ کشور صنعتی که توسط قدرت خرید نسبی (بر اساس محصول ناخالص ملی) تعدیل شده است نیز رقم ۴۸۶۱ دلار در نظر گرفته شد. ۹ کشور یاد شده عبارتند از اتریش، کانادا، جمهوری فدرال آلمان، هلند، نروژ، سوئیس، انگلستان و ایالات متحده.

برای هر سنجشی از محرومیت، ارزش های حداقل و مطلوب یا کافی نقاط آغاز و انتهای شاخص درجه بندی شده ای از يك تا صفر هستند. قرار دادن يك کشور در نقطه مناسب هر مقیاس و میانگین گرفتن از هر يك از سه مقدار، شاخص متوسط محرومیت انسانی آن کشور را نشان می دهد که وقتی از عدد يك کم شود، شاخص توسعه انسانی بدست می آید.

□ برخی از کشورهای کم درآمد نشان داده اند چنانچه منابع در دسترس با مهارت در جهت توسعه قابلیت های انسانی مصرف شود می توان به سطوح بالایی از توسعه انسانی دست یافت.

□ اجزایی از توسعه انسانی مانند آزادی سیاسی، امنیت شخصی، روابط بین افراد و محیط مادی زندگی به خاطر مشکلات مفهومی و روش شناسی کمیت پذیر نیستند، اما بررسی توسعه انسانی نباید از توجه به آنها غافل بماند.

□ شاخص توسعه انسانی تنها در بردارنده بخش محدودی از امکانات و حقوق انسانی است و بسیاری جنبه های دیگر را که ممکن است برای مردم عمیقاً ارزشمند باشند در برنمی گیرد.

□ مشکلاتی فنی روش های تعیین سطح توسعه انسانی و استفاده از مجموعه های کلی آماری برای تعیین درآمد ملی و نرخ رشد آن، این حقیقت را که هدف بنیادین توسعه بهتر ساختن زندگی مردم است برای مدتی طولانی به فراموشی سپرده است.

برای مقایسه درباره نابرابر درآمدها بهرحال مشکل است. حتی ضریب جینی که کاربرد آن برای سنجش نابرابری درآمدها از عمومیت بیشتری برخوردار است در حال حاضر تنها برای کمتر از يك چهارم از تعداد کل ۱۳۰ کشور قابل دسترسی است و بسیاری از این برآوردها نیز چندان قابل اتکا نیستند. داده های امید به زندگی و میزان باسوادی بصورت تفکیک شده بر حسب گروه های درآمدی، جنس و شهر و روستا جمع آوری نشده اند و اطلاعاتی که با رعایت تمایز شهر - روستا و یا مرد - زن قابل حصولند، هنوز هم برای مقایسه بین المللی بسیار کمیابند و بندرت در دسترس می باشند.

بنابراین نیاز زیادی وجود دارد که برای اعمال تصحیحات توزیعی (distributional corrections) یعنی مورد نظر قراردادن توزیع آمار بین گروه های مختلف مربوط (نظیر تقسیم بر حسب جنسیت یا شهری و روستایی) روشی پیدا کنیم (توضیح شماره سه). اعمال اینگونه تصحیحات بویژه در مورد شاخص درآمدها که می تواند ارقام بسیار بالایی داشته باشد ضرورت بیشتری دارد. نابرابری محتمل در زمینه امید به زندگی و میزان باسوادی بسیار محدودتر از نابرابری در درآمدها است، شخص می تواند یکبار باسوادی شود و طول زندگی انسان نیز محدود است. اما بدست آوردن تخمین های قابل اتکا و مناسب

برای داشتن سطح زندگی مناسب، نیازمند منابع مالی گسترده نیستند، این موضوع از طریق استفاده از لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه برای شاخص درآمد، مورد توجه قرار گرفته است.

تمامی این سه جریان سنجش عوامل مؤثر در توسعه انسانی بخاطر يك کمبود مشترك آسیب می بینند: این سنجش ها بصورت متوسط هستند و تمایزات گسترده بین کل مردم کشورها را پنهان می سازند: گروه های مختلف اجتماعی دارای رقم امید به زندگی متفاوتی هستند؛ در میزان باسوادی مردان و زنان غالباً تفاوت فاحش وجود دارد؛ و درآمدها نیز شدت غیرمتعاد و نابرابر توزیع شده است.

توضیح پنج:

آزادی و توسعه انسانی

توسعه انسانی بدون آزادی انسانی کامل نیست. در طول تاریخ انسانها برای قربانی کردن جان خویش جهت نیل به آزادی ملی و فردی مشتاق بوده اند. در همین دوران اخیر شاهد موج غیر قابل مقاومتی از میل به آزادی انسانی بوده ایم که سراسر اروپای شرقی، آفریقای جنوبی و بسیاری دیگر از نقاط جهان را در تور دیده است.

بنابراین هر گونه شاخص از توسعه انسانی باید ارزش مناسبی برای آزادی اجتماعی انسان در دنبال کردن اهداف مادی و اجتماعی در نظر بگیرد. بسته به اینکه دستاوردهای توسعه انسانی همانند در کشورهای مختلف تحت نظامهای دموکراتیک و یا خود کامه کسب شده باشند، در بررسی ها باید ارزش های متفاوتی به آنها داد.

با وجود آنکه نیاز به کمیت پذیر کردن و کمی شدن قضاوت در این مورد وجود دارد، اما هنوز هم وسیله مناسبی برای سنجش کمیت بسیاری از جنبه های آزادی انسانی - مانند انتخابات آزاد، نظام چند حزبی، مطبوعات غیر قابل سانسور، التزام به حاکمیت قانون و رعایت آن، تضمین آزادی بیان و غیره - به دید نیامده است. اما بهر حال شاخص توسعه انسانی برخی از جنبه های آزادی بشری را در بر دارد. به عنوان مثال، چنانچه سرکوب شدگی مردم سبب منکوب شدن خلاقیت، سازندگی و بهره وری آنان شود، این امر در تخمین های مربوط به درآمد و سطح بیسوادی منعکس خواهد شد.

برای نشان دادن این استنتاج، در زیر جدولی از ۱۵ کشور (بر حسب منطقه) فراهم آمده است که نسبت به کشورهای همجوار خود از طریق نظام دموکراتیک سیاسی و اجتماعی نسبتاً معقول، به سطوح بالایی از توسعه انسانی دست یافته اند. بررسی جداول کلی مربوط به فاکتورهای توسعه انسانی نشانگر آن است که کشورهای دارای رتبه بالا در زمینه شاخص توسعه انسانی، از ساختار دموکراتیک مناسبی - به جز چند استثنا - برخوردارند و بر عکس.

آنچه برای ارزیابی های آینده لازم است، تلاش بیشتر و کار تجربی افزونتر جهت کمیت پذیر کردن عوامل مختلف دخیل در آزادی انسانی و همچنین جستجوی روابط دیگری است که بین آزادی انسان و توسعه انسانی وجود دارد.

۱۵ کشور برتر در توسعه انسانی دموکراتیک

کشور	شاخص توسعه	کشور	شاخص توسعه
آمریکای لاتین و کارائیب	۰/۹۱۶	خاور میانه و آفریقای شمالی	۰/۷۵۱
کاستاریکا	۰/۹۱۶	ترکیه	۰/۶۵۷
اروگوئه	۰/۸۸۵	تونس	۰/۶۵۷
ترینیداد و توباگو	۰/۸۷۶	جنوب صحرائی آفریقا	۰/۷۸۸
مکزیک	۰/۸۶۱	موریتانی	۰/۶۴۶
وتزولا	۰/۸۴۴	بوتسوانا	۰/۵۷۶
جامائیکا	۰/۸۰۱	زیمبابوه	۰/۵۷۶
کلمبیا	۰/۸		
قاره آسیا	۰/۷۸۹		
مالزی	۰/۷۸۳		
سرلانکا			
تایلند			

در مورد اجزای دیگر توسعه انسانی نظیر آزادی سیاسی، امنیت شخصی، روابط بین افراد و محیط مادی زندگی، مشکلات مفهومی و روشن شناسی کمیت پذیر کردن و سنجش بسیار پیچیده تر می شوند، اما حتی اگر در حال حاضر این جنبه های زندگی انسانی از مرحله سنجش پذیری فاصله زیادی دارند

بررسی توسعه انسانی نباید از آنها غافل بماند. تفسیر صحیح اطلاعات مربوط به متغیرهای کمتر قابل اندازه گیری، به در نظر داشتن ابعاد سنجش پذیرتر زندگی انسانی نیز بستگی دارد. در جهت فائق آمدن بر بسیاری از جنبه های مشکل اندازه گیری آزادی انسانی نیز باید تلاشهای ویژه ای برای پدید آوردن روش ساده ای جهت سنجش پذیر کردن عوامل صورت گیرد.

دستاوردها و کمبودها

بهبود زندگی انسانی دارای دو چشم انداز است. نخست اینکه چه بدست آورده ایم، چرا که دستاوردهای بیشتر به معنی پیشرفت بهتر است. و دومین جنبه تداوم یافتن کمبودها نسبت به ارزش های

آسانی چون کنترل بیماری های واگیردار قابل دستیابی است، اما رساندن امید به زندگی از سطح ۶۰ سال به ۷۰ سال اغلب کار بسیار مشکلتری است و اجرای آن نیازمند اعتبار و زحمت بسیار بیشتری خواهد بود.

اندازه گیری کمبودها در جریان پیشرفت انسانی، بهتر از سنجش دستاوردها بر این مشکل فائق می آید. اگر یکبار دیگر امید به زندگی را مثال بزنیم و چنانچه برای محاسبه نقصان رسیدن به سن ۸۰ سال را هدف افزایش امید به زندگی بگیریم، با افزایش امید به زندگی از ۶۰ سال به ۷۰ سال معادل ۵۰ درصد کاهش در نقصان موجود - نصف کردن ۲۰ سال و رساندن فاصله به ۱۰ سال - انجام داده ایم. این ماحصل بزرگتر از کاهش ۲۵ درصدی است که در اثر رساندن امید به زندگی از ۴۰ سال به ۵۰ سال (رساندن فاصله باقی مانده تا حد مطلوب از ۴۰ سال به ۳۰ سال) بدست می آید.

بنابراین در سنجش و ارزیابی پیشرفت انسانی استفاده از نقصانها نسبت به دستاوردها دو امتیاز دارد: هم مشکل بودن وظیفی را که به انجام رسیده به روشنی نشان می دهد. و هم بر عظمت کارهایی که در پیش روست و باید انجام شود تاکید می کند.

شاخص توسعه انسانی

مردم جنبه های مختلف زندگی خویش را از یکدیگر جدا نمی کنند. در واقع مردم برداشت و احساس کلی از خوشبختی و رفاه دارند. بنابراین شایسته است یک شاخص مرکب در مورد توسعه انسانی فراهم شود. تلاشهای گذشته برای تهیه چنین شاخصی به نتیجه رضی کننده ای در اندازه گیری توسعه انسانی نرسیده اند. این تلاشها توجه خود را یا برآمدها و یا شاخص های اجتماعی متمرکز کرده اند و بدون اینکه سعی کنند آنها را در یک شاخص مرکب گردآورند. از آنجا که انسانها هم وسیله و هم هدف توسعه هستند، یک شاخص مرکب باید هر دو جنبه یاد شده را در بر بگیرد. گزارش برنامه عمران ملل متحد برای بدست دادن شاخصی متناسبتر، شاخصی را پیشنهاد می کند که هر سه جزء اساسی زندگی انسانی را در بر بگیرد: طول عمر، کسب دانش، و داشتن درآمد پایه برای داشتن سطح مناسبی از زندگی. طول عمر و دانش به شکل گیری قابلیت های انسانی مربوطند، و درآمد نیز مقیاسی نسبی برای سنجش امکانات مردم در استفاده از قابلیت های آنهاست.

تشکیل شاخص توسعه انسانی با فراهم آوردن یک مقیاس محرومیت شروع می شود. در مورد امید به زندگی سن ۷۸ سال هدف محسوب می شود که بالاترین حد نصاب امید به زندگی بین همه کشورها است. هدف در زمینه نرخ با سواد صد درصد است. هدف در مورد میزان درآمد، لگاریتم متوسط درآمد خط فقر مربوط به ثروتمندترین کشورها است که در قدرت خرید تعدیل شده نسبت به قیمت دلار بین المللی انعکاس یافته است.

شاخص توسعه انسانی برای ۱۳۰ کشور که جمعیتی بیش از یک میلیون نفر دارند در نمودار شاخصهای توسعه انسانی (ص ۲ مجله) ارائه شده است.

رتبه بندی کشورهای بر حسب شاخص توسعه انسانی و تولید ناخالص ملی

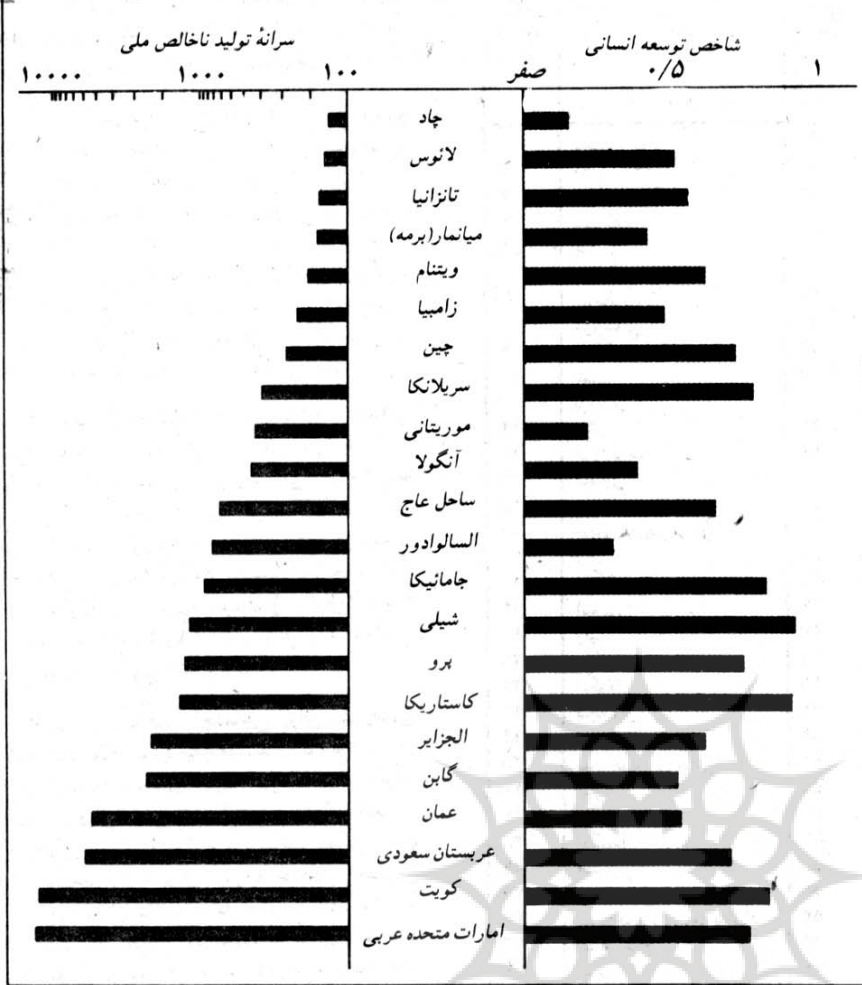
رتبه بندی کشورها بر حسب شاخص توسعه

مطلوب و یا هدف می باشد. این دو جنبه از بسیاری جهات معادل یکدیگرند: بیشتر بودن دستاوردها به معنی کاسته شدن از کمبودها است. اما این دو جنبه برخی تمایزات ذاتی نیز با یکدیگر دارند.

تمایز بین نتایج ارزیابی دستاوردها و کمبودها را به روشنی می توان در یک مثال عددی نشان داد. عملکردها غالباً به شکل درصد تغییر سنجیده می شوند. یک افزایش ۱۰ ساله در امید به زندگی از ۶۰ سال به ۷۰ سال معادل ۱۷ درصد افزایش است، در حالی که همین ۱۰ سال افزایش در امید به زندگی از ۴۰ سال به ۵۰ سال معادل ۲۵ درصد می باشد. به عبارت دیگر کمتر بودن دستاوردهایی که قبلاً حاصل شده اند، با حصول یک افزایش مطلق معین، ارزش درصدی بالاتری بدست می دهند.

بنابراین افزایش امید به زندگی شخص از ۴۰ سال به ۵۰ سال دستاورد بزرگتری از رساندن امید به زندگی از ۶۰ سال به ۷۰ سال نظر خواهد رسید. اما در واقع رساندن امید به زندگی از سطح خیلی پایین ۴۰ سال به ۵۰ سال از طریق اقدامات نسبتاً

نمودار يك - سرانه تولید ناخالص ملی و شاخص توسعه انسانی برای کشورهای منتخب



جدول يك - سرانه تولید ناخالص ملی و شاخص های منتخب اجتماعی

کشور	سرانه تولید ناخالص ملی (دلار)	امید به زندگی (سال)	نرخ باسوادی بزرگسالان (درصد)	مرگ و میر اطفال (در هر ۱۰۰۰ مورد تولد زنده)
کشورهای دارای سرانه تولید ناخالص ملی متوسط و توسعه انسانی سطح بالا				
سريلانكا	۴۰۰	۷۱	۸۷	۳۲
جامائیکا	۹۴۰	۷۴	۸۲	۱۸
کاستاریکا	۱۶۱۰	۷۵	۹۳	۱۸
کشورهای دارای سرانه تولید ناخالص ملی بالا و توسعه انسانی سطح متوسط				
برزیل	۲۰۲۰	۶۵	۷۸	۶۲
عمان	۵۸۱۰	۵۷	۳۰	۴۰
عربستان سعودی	۶۲۰۰	۶۴	۵۵	۷۰

داشته‌اند: ... امید به زندگی در کشورهای جنوب از ۴۶ سال در ۱۹۶۰ به ۶۲ سال در ۱۹۸۷ رسیده است و نرخ باسوادی نیز از ۴۳ درصد به ۶۰ درصد افزایش یافته است. مرگ و میر کودکان زیر پنج سال نیز نصف شده است.

۲- طی سه دهه گذشته در حالی که شکاف بین درآمدهای شمال و جنوب افزایش داشته، اما فاصله آنها از نظر توسعه انسانی کاهش یافته است: ... در سال ۱۹۸۷ سرانه درآمد در جنوب هنوز هم فقط ۶ درصد شمال بود، اما متوسط امید به زندگی آن به ۸۰ درصد و متوسط باسوادی به ۶۶ درصد شمال بود، اما متوسط امید به زندگی به آن ۸۰ درصد و متوسط باسوادی به ۶۶ درصد با سوادی کشورهای شمال رسید.

تصویر ابتدایی داده شده از توسعه انسانی می‌ارزد و به سیاست‌گذاران اجازه تلاش برای دنبال کردن آن را می‌دهد. این وظایف مسائل مشکلی هستند که گزارشهای آتی توسعه انسانی باید به بحث در مورد آنها ادامه دهند.

در پایان برای آنکه خوانندگان از نتایج کلی گزارش یادشده آگاهی یابند، عمده‌ترین یافته‌های گزارش را که توسط فراهم‌آوردندگان آن استخراج شده می‌آوریم.

۱- طی سه دهه اخیر کشورهای در حال توسعه پیشرفت چشمگیری در زمینه توسعه انسانی

□ بسیاری از کشورها سریعاً در حال رشد متوجه شده‌اند نرخهای بالای رشد تولید ناخالص ملی آنان در کاهش ناملايمات و فقر اجتماعی و اقتصادی بخش اعظمی از جمعیتشان ناکام مانده است.

□ تجربیات اخیر توسعه یادآور این نکته است که گسترش تولید و ثروت صرفاً يك وسیله است و پایان روند توسعه باید رفاه و آسایش بشریت باشد.

□ مردم ثروت واقعی ملتها هستند و هدف بنیادین توسعه خلق شرایطی است که امکان يك زندگی طولانی، همراه با سلامتی، و خلاق را برای مردم فراهم سازد.

□ ارقام درآمدهای ملی باوجود آنکه برای بسیاری ارزیابی‌ها مفید هستند، اما ترکیب این درآمدها و بهره‌برندگان واقعی آن را مشخص نمی‌سازند.

انسانی با رتبه بندی آنها بر حسب سرانه تولید ناخالص ملی تفاوت دارد. دلیل این امر آن است که سرانه تولید ناخالص ملی تنها یکی از ابعاد متنوع زندگی است در حالی که شاخص توسعه انسانی تقریباً تمامی ابعاد را مد نظر قرار می‌دهد.

بین کشورهای ارائه شده در نمودار يك، سری لانکا، شیلی، کاستاریکا، جامائیکا، تانزانیا و تایلند، در مورد شاخص توسعه انسانی عملکرد بسیار بهتری از عملکردشان در زمینه درآمدنشان می‌دهند که نشانگر آن است که منابع اقتصادی خود را بیشتر متوجه پیشرفتهای انسانی مردم خویش کرده‌اند. اما عمان، گابن، عربستان سعودی، الجزایر، موریتانی، سنگال و کامرون نسبت به سایر کشورها در زمینه شاخص توسعه انسانی به وضعیت بدتری دچار بوده‌اند که در مقایسه با رتبه آنها از نظر درآمد راضی‌کننده نیست و نشانگر آن است که باید منابع درآمدی خود را بیشتر متوجه سطوح بالاتری از توسعه انسانی کنند.

مجدداً باید تاکید کرد که شاخص توسعه انسانی تنها در بردارنده بخش محدودی از امکانات و حقوق انسانی است و بسیاری از جنبه‌های دیگر را که ممکن است برای مردم عمیقاً ارزشمند باشند - آزادی های اقتصادی، اجتماعی سیاسی (توضیح شماره ۵) برخورداری از حمایت در برابر جنایت، عدم امنیت و تبعیض - در برنمی‌گیرد و بنابراین دارای محدودیت‌هایی است اما ارزش گسترده تر کردن حیطه پوشش آن به دردهای ناشی از پیچیده تر ساختن

۳ - مقادیرهای متوسط در تعیین میزان توسعه انسانی کشورهای در حال توسعه، تمایزات موجود بین شهر و روستا، بین مردان و زنان، و بین فقرا و ثروتمندان را در این کشورها پنهان می سازند.

۴ - رسیدن به سطوح قابل قبولی از توسعه انسانی حتی با وجود داشتن درآمدهای متوسط نیز ممکن است: ... فقط با داشتن درآمد سرانه ۱۱ هزاردلاری - متوسط درآمد کشورهای صنعتی - نیست که می توان زندگی کرد. سری لانکا با درآمد سرانه ای معادل ۴۰۰ دلار توانسته به ۷۱ سال امید به زندگی و ۸۷ درصد نرخ با سواد دست یابد، و برزیل دارای امید به زندگی ۶۵ سال و با سواد ۷۸ درصدی است اما در آمد سرانه آن به ۲۰۲۰ دلار می رسد.

۵ - رشد اقتصادی الزاماً به پیشرفت انسانی نمی انجامد: ... رشد تولید ناخالص ملی همراه با توزیع عادلانه درآمد مؤثرترین راه برای نیل به توسعه انسانی است. جمهوری کره این امکانات را نشان می دهد. اما اگر توزیع درآمد نابرابر بوده و هزینه های اجتماعی پایین باشند، (مثل پاکستان و نیجریه) و یا صرفاً بطور نابرابر توزیع شود (مثل برزیل)، توسعه انسانی نمی تواند با وجود رشد سریع تولید ناخالص ملی بهبود چندانی داشته باشد.

۶ - سوسپیدهای اجتماعی برای گروههای کم درآمد مطلقاً مورد نیاز هستند: ... توزیع درآمد در اکثر کشورهای جهان عمیقاً غیرعادلانه و نابرابر است. به دیگر سخن، رشد اقتصادی بندرت نفعی به گروههای وسیع کم درآمد می رساند. ممکن است مکانیسم بازار آزاد برای نیل به حداکثر تخصیص کارای منابع لازم باشد، اما نیل به توزیع عادلانه توسط این مکانیسم تضمین نمی شود. به همین دلیل باید سیاستهایی در پیش گرفته شود تا درآمد و فرصت های اقتصادی دیگر را برای گروههای کم درآمد افزایش دهد.

۷ - کشورهای در حال توسعه آنقدر ها فقیر نیستند که نتوانند توسعه انسانی را با رشد اقتصادی همراه کنند: ... مخارج نظامی در جهان سوم باید کاهش یابد، این نوع هزینه طی ۳۰ سال گذشته در کشورهای جهان سوم با سرعتی بیش از سرعت رشد هزینه های نظامی کشورهای پیشرفته رشد یافته و در حال حاضر به ۲۰۰ میلیارد دلار در هر سال می رسد. کشورهای در حال توسعه برای مجموع بخشهای بهداشت و آموزش خود کمتر از بخش نظامی هزینه می کنند (۵/۳ درصد در برابر ۵/۵ درصد از مجموعه تولید ناخالص ملی).

۸ - قبول اثرات منفی برنامه های تعدیل بر روند توسعه انسانی می تواند یک انتخاب باشد نه اجبار: ... برخی از کشورها به هنگام کاهش ناگهانی در منابعشان، مخارج نظامی را کاهش می دهند و تغییری در هزینه های بهداشت، آموزش و تغذیه به عمل نمی آورند، و برخی نیز با کاهش اینگونه هزینه ها مخارج نظامی را افزایش می دهند. طبق شواهد در دهه ۱۹۸۰ کشورهای چون اندونزی و زیمبابوه طی دوران اجرای برنامه تعدیل از هزینه برنامه های توسعه انسانی خود نکاستند.

۹ - برای حمایت از استراتژی های توسعه انسانی طی دهه ۱۹۹۰، وجود محیط مساعد جهانی حیاتی است: ... چشم انداز آینده رضایتبخش نیست.

رتبه شاخص توسعه انسانی	کشورهای دارای توسعه انسانی نازل	امید به زندگی در هنگام تولد ۱۹۸۷	نرخ باسوادی بزرگسالان درصد ۱۹۸۷	سرانه تولید ناخالص ملی واقعی به دلار تعدیل شده	مقدار شاخص توسعه انسانی	رده بندی براساس سرانه تولید ناخالص ملی
۱	نیجر	۴۵	۱۴	۴۵۲	۰/۱۱۶	۲۰
۲	مالی	۴۵	۱۷	۵۴۳	۰/۱۴۳	۱۵
۳	بورکینافاسو	۴۸	۱۴	۵۰۰	۰/۱۵۰	۱۳
۴	سیرالئون	۴۲	۳۰	۴۸۰	۰/۱۵۰	۲۷
۵	چاد	۴۶	۲۶	۴۰۰	۰/۱۵۷	۴
۶	گینه	۴۳	۲۹	۵۰۰	۰/۱۶۲	۳۱
۷	سومالی	۴۶	۱۲	۱۰۰۰	۰/۲۰۰	۲۳
۸	موریتانی	۴۷	۱۷	۸۴۰	۰/۲۰۸	۴۰
۹	افغانستان	۴۲	۲۴	۱۰۰۰	۰/۲۱۲	۱۷
۱۰	بنین	۴۷	۲۷	۶۶۵	۰/۲۲۴	۲۸
۱۱	بروندی	۵۰	۲۵	۴۵۰	۰/۲۳۵	۱۸
۱۲	بوتان	۴۹	۲۵	۷۰۰	۰/۲۳۶	۳
۱۳	موزامبیک	۴۷	۳۹	۵۰۰	۰/۲۳۹	۱۰
۱۴	مالاوی	۴۸	۴۲	۴۷۶	۰/۲۵۰	۷
۱۵	سودان	۵۱	۲۳	۷۵۰	۰/۲۵۵	۳۲
۱۶	جمهوری آفریقای مرکزی	۴۶	۴۱	۵۹۱	۰/۲۵۸	۲۹
۱۷	نپال	۵۲	۲۶	۲۲۲	۰/۲۷۳	۸
۱۸	سنگال	۴۷	۲۸	۱۰۶۸	۰/۲۷۴	۴۳
۱۹	اتیوپی	۴۲	۶۶	۴۵۴	۰/۲۸۲	۱
۲۰	زئیر	۵۳	۶۲	۲۲۰	۰/۲۹۴	۵
۲۱	رواندا	۴۹	۴۷	۵۷۱	۰/۳۰۴	۲۶
۲۲	آنگولا	۴۵	۴۱	۱۰۰۰	۰/۳۰۴	۵۸
۲۳	بنگلادش	۵۲	۳۳	۸۸۳	۰/۳۱۸	۶
۲۴	نیجریه	۵۱	۴۳	۶۶۸	۰/۳۲۲	۳۶
۲۵	یمن جمهوری عربی	۵۲	۲۵	۱۲۵۰	۰/۳۲۸	۴۷
۲۶	لیبریا	۵۵	۳۵	۶۹۶	۰/۳۳۳	۴۲
۲۷	توگو	۵۴	۴۱	۶۰۷	۰/۳۳۷	۲۴
۲۸	اوگاندا	۵۲	۵۸	۵۱۱	۰/۳۵۴	۲۱
۲۹	فانتینی	۵۵	۳۸	۷۷۵	۰/۳۵۶	۳۴
۳۰	غنا	۵۵	۵۴	۴۸۱	۰/۳۶۰	۳۷
۳۱	یمن، جمهوری دموکراتیک	۵۲	۴۲	۱۰۰۰	۰/۳۶۹	۳۹
۳۲	ساحل عاج	۵۳	۴۲	۱۱۲۳	۰/۳۹۳	۵۲
۳۳	کنگو	۴۹	۶۳	۷۵۶	۰/۳۹۵	۵۹
۳۴	تانیسیا	۵۶	۳۰	۱۵۰۰	۰/۴۰۴	۶۰
۳۵	تانزانیا	۵۴	۷۵	۴۰۵	۰/۴۱۳	۱۲
۳۶	پاکستان	۵۸	۳۰	۵۸۵۱	۰/۴۲۳	۳۳
۳۷	هندوستان	۵۹	۴۳	۱۰۵۳	۰/۴۳۹	۲۵
۳۸	ماداگاسکار	۵۴	۶۸	۶۳۴	۰/۴۴۰	۱۴
۳۹	گینه جدید	۵۵	۶۵	۱۸۴۳	۰/۴۷۱	۵۰
۴۰	کامبوج	۴۹	۷۵	۱۰۰۰	۰/۴۷۱	۲
۴۱	کامرون	۵۲	۶۱	۱۳۸۱	۰/۴۷۴	۶۴
۴۲	کنیا	۵۹	۶۰	۷۹۴	۰/۴۸۱	۳۰
۴۳	زامبیا	۵۴	۷۶	۷۱۷	۰/۴۸۱	۱۹
۴۴	مراکش	۶۲	۳۴	۱۷۶۱	۰/۴۸۹	۴۸
کشورهای دارای توسعه انسانی متوسط						
۴۵	مصر	۶۲	۴۵	۱۳۵۷	۰/۵۰۱	۴۹
۴۶	لائوس	۴۹	۸۴	۱۰۰۰	۰/۵۰۶	۹
۴۷	گابن	۵۲	۶۲	۲۰۶۸	۰/۵۲۵	۹۳
۴۸	عمان	۵۷	۳۰	۷۷۵۰	۰/۵۳۵	۱۰۴
۴۹	بولیوی	۵۴	۷۵	۱۳۸۰	۰/۵۴۸	۴۴
۵۰	برمه	۶۱	۷۹	۷۵۲	۰/۵۶۱	۱۱
۵۱	هندوراس	۶۵	۵۹	۱۱۱۹	۰/۵۶۳	۵۳
۵۲	زیمبابوه	۵۹	۷۴	۱۱۸۴	۰/۵۷۶	۴۵
۵۳	لسوتو	۵۷	۷۳	۱۵۸۵	۰/۵۸۰	۳۵
۵۴	اندونزی	۵۷	۷۴	۱۶۶۰	۰/۵۹۱	۴۱
۵۵	گواتمالا	۶۳	۵۵	۱۹۵۷	۰/۵۹۲	۶۳
۵۶	ویتنام	۶۲	۷۰	۱۰۰۰	۰/۶۰۸	۱۶
۵۷	الجزایر	۶۳	۵۰	۲۶۳۳	۰/۶۰۹	۹۱
۵۸	پورتوگال	۵۹	۷۱	۲۴۹۶	۰/۶۴۶	۶۹
۵۹	السالوادور	۶۴	۷۲	۱۷۳۳	۰/۶۵۱	۵۶
۶۰	تونس	۶۶	۵۵	۲۷۴۱	۰/۶۵۷	۷۰
۶۱	ایران	۶۶	۵۱	۳۳۰۰	۰/۶۶۰	۹۷
۶۲	سوریه	۶۶	۶۰	۳/۲۵۰	۰/۶۹۱	۷۹
۶۳	دومینیکن	۶۷	۷۸	۱۷۵۰	۰/۶۹۹	۵۱
۶۴	عربستان سعودی	۶۴	۵۵	۸/۳۲۰	۰/۷۰۲	۱۰۷

جریان منابع به کشورهای درحال توسعه بین سالهای ۱۹۸۱ تا ۸۹ از ۴۲/۶ میلیارد به ۳۲/۵ میلیارد دلار کاهش یافته است. بهای کالاها و مواد اولیه به پائین ترین حد خود از بحران ۱۹۳۰ به این سورسیده است. حجم بدهی ها که به ۱۳۰۰ میلیارد دلار بالغ شده نیازمند وجود سالانه ۲۰۰ میلیارد دلار پرداخت اصل و فرع است.

۱۰ - برخی کشورهای در حال توسعه و بویژه چند کشور آفریقایی بیش از دیگران به کمک خارجی نیاز دارند: ... متوسط افرادی که در زیر خط فقر زندگی می کنند بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۵ به دو سوم جمعیت رسیده است و پیش بینی می شود این تعداد شدیداً افزایش یابد.

۱۱ - اگر قرار باشد در بالا بردن قابلیت های انسانی و ظرفیت های ملی در کشورهای درحال توسعه به آنان کمک شود، چگونگی همکاری های فنی با آنان باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد: ... همکاری فنی موفقیت آمیز تر طی دهه ۱۹۹۰ نیازمند وجود برنامه هایی است که توجه خود را بیشتر بر توسعه انسانی متمرکز سازند.

۱۲ - در هر استراتژی اتخاذ شده برای توسعه انسانی موفقیت آمیز، وجود یک دیدگاه مبتنی بر مشارکت - از جمله مشارکت سازمانهای غیردولتی - در امور اساسی است.

۱۳ - برای نیل به توسعه انسانی در سطحی محسوس، کاهش قابل توجه در نرخ رشد جمعیت موضوعی مطلقاً اساسی است: ... جمعیت کشورهای درحال توسعه که از ۱۹۶۰ به این سو از ۲ میلیارد به ۴ میلیارد نفر رسیده، احتمالاً در سال ۲۰۰۰ به ۵ میلیارد بالغ خواهد شد. کاهش نرخ رشد جمعیت اینگونه کشورها از ۲/۳ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۲ درصد طی سال های ۱۹۸۸ تا ۲۰۰۰ برای تغییر تصویر جمعیتی جهانی کافی نیست.

۱۴ - رشد سریع جمعیت در کشورهای درحال توسعه در شهرها متمرکز شده است: ... بین سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۷ جمعیت شهرنشین کشورهای درحال توسعه از ۲۸۵ میلیون به ۱/۲۵ میلیارد نفر رسیده و احتمالاً در سال ۲۰۰۰ به ۲ میلیارد نفر خواهد رسید. و در همین حال ۸ شهر از ۱۰ شهر دارای جمعیت بیش از ۱۳ میلیون نفر در کشورهای درحال توسعه قرار خواهند داشت.

۱۵ - استراتژی های توسعه برای برآوردن نیازهای نسل فعلی باید توانایی نسل های آینده را برای تأمین نیازهایشان به مخاطره نیندازند: ... وجود فقر یکی از بزرگترین تهدیدها علیه محیط زیست است. در کشورهای فقیر، غالباً محرومیت سبب از بین رفتن جنگلها، بیابانی شدن مراتع و اتلاف منابع دیگر می شود. اما در سطح جهانی مسئولیت حفظ محیط زیست بیشتر باید برعهده کشورهای صنعتی باشد که در از بین بردن آن بیشترین سهم را داشته اند.

□ مشخصات مقاله در ماخذ اصلی:

HUMAN DEVELOPMENT REPORT 1990, Defining and measuring human development (Chapter 1), Published for UNDP, 1990

رتبه شاخص توسعه انسانی	کشورهای دارای توسعه انسانی نازل	امید به زندگی در هنگام تولد ۱۹۸۷	نرخ باسوادی بزرگسالان درصد ۱۹۸۷	سرانه تولید ناخالص ملی واقعی به دلار تعدیل شده	مقدار شاخص توسعه انسانی	رده بندی براساس سرانه تولید ناخالص ملی
۶۵	فیلیپین	۶۴	۸۶	۱۸۷۸	۰/۷۱۴	۴۶
۶۶	چین	۷۰	۶۹	۲۱۲۴	۰/۷۱۶	۲۲
۶۷	لیبی	۶۲	۶۶	۷۲۵۰	۰/۷۱۹	۱۰۳
۶۸	آفریقای جنوبی	۶۱	۷۰	۴۹۸۱	۰/۷۳۱	۸۲
۶۹	لبنان	۶۸	۷۸	۲۲۵۰	۰/۷۳۵	۷۸
۷۰	مغولستان	۶۴	۲۰۰۹۰	۲۰۰۰	۰/۷۳۷	۵۷
۷۱	نیکاراگوا	۶۴	۸۸	۲۲۰۹	۰/۷۴۳	۵۴
۷۲	ترکیه	۶۵	۷۴	۳۷۸۱	۰/۷۵۱	۷۱
۷۳	اردن	۶۷	۷۵	۳۱۶۱	۰/۷۵۲	۷۶
۷۴	برو	۶۳	۸۵	۳۱۲۹	۰/۷۵۳	۷۲
۷۵	اکوادور	۶۶	۸۳	۲۶۸۷	۰/۷۵۸	۶۸
۷۶	عراق	۶۵	۸۹	۲۴۰۰	۰/۷۵۹	۹۶
۷۷	امارات متحده عربی	۷۱	۶۰	۱۲۱۹۱	۰/۷۸۲	۱۲۷
۷۸	تایلند	۶۶	۹۱	۲۵۷۶	۰/۷۸۳	۵۵
۷۹	پاراگوئه	۶۷	۸۸	۲۶۰۳	۰/۷۸۴	۶۵
۸۰	برزیل	۶۵	۷۸	۴۳۰۷	۰/۷۸۴	۸۵
۸۱	موریس	۶۹	۸۳	۲۶۱۷	۰/۷۸۸	۷۵
۸۲	کره شمالی	۷۰	۹۰	۲۰۰۰	۰/۷۸۹	۶۷
۸۳	سرلانکا	۷۱	۸۷	۲۵۰۳	۰/۷۸۹	۴۸
۸۴	آلبانی	۷۲	۸۵	۲۰۰۰	۰/۷۹۰	۶۱
کشورهای دارای توسعه انسانی بالا						
۸۵	مازی	۷۰	۷۴	۳۸۴۹	۰/۸۰۰	۸۰
۸۶	کلمبیا	۶۵	۸۸	۳۵۲۴	۰/۸۰۱	۷۲
۸۷	جامائیکا	۷۴	۸۲	۲۵۰۶	۰/۸۲۴	۶۲
۸۸	کویت	۷۳	۷۰	۱۳۸۴۳	۰/۸۳۹	۱۲۲
۸۹	ونزوئلا	۷۰	۸۷	۴۳۰۶	۰/۸۶۱	۹۵
۹۰	رومانی	۷۱	۹۶	۳۰۰۰	۰/۸۶۳	۸۴
۹۱	مکزیکو	۶۹	۹۰	۴۶۲۴	۰/۸۷۶	۸۱
۹۲	کوبا	۷۲	۹۶	۲۵۰۰	۰/۸۷۶	۶۶
۹۳	پاناما	۷۲	۸۹	۴۰۰۹	۰/۸۸۳	۸۸
۹۴	ترینیداد و توباگو	۷۱	۹۶	۳۶۶۴	۰/۸۸۵	۱۰۰
۹۵	پرتغال	۷۴	۸۵	۵۵۹۷	۰/۸۹۹	۹۴
۹۶	سنگاپور	۷۳	۸۶	۱۲۷۹۰	۰/۸۹۹	۱۱۰
۹۷	کره جنوبی	۷۰	۹۵	۴۸۳۲	۰/۹۰۳	۹۲
۹۸	لهستان	۷۲	۹۸	۴۰۰۰	۰/۹۱۰	۸۳
۹۹	آرژانتین	۷۱	۹۶	۴/۶۴۷	۰/۹۱۰	۸۹
۱۰۰	یوگسلاوی	۷۲	۹۲	۵۰۰۰	۰/۹۳۱	۹۰
۱۰۱	مجارستان	۷۱	۹۸	۴۵۰۰	۰/۹۱۵	۸۷
۱۰۲	اروگوئه	۷۱	۹۵	۵۰۶۳	۰/۹۱۶	۸۶
۱۰۳	کاستاریکا	۷۵	۹۳	۳۷۶۰	۰/۹۱۶	۷۷
۱۰۴	بلغارستان	۷۲	۹۳	۴۷۵۰	۰/۹۱۸	۹۹
۱۰۵	شوری	۷۰	۹۹	۶۰۰۰	۰/۹۲۰	۱۰۱
۱۰۶	چکسلواکی	۷۲	۹۸	۷۷۰۵	۰/۹۳۱	۱۰۲
۱۰۷	شیلی	۷۲	۹۸	۴۸۶۲	۰/۹۳۱	۷۳
۱۰۸	هنگ کنگ	۷۶	۸۸	۱۳۹۰۶	۰/۹۳۶	۱۱۱
۱۰۹	یونان	۷۶	۹۳	۵۵۰۰	۰/۹۴۹	۹۸
۱۱۰	آلمان شرقی	۷۴	۹۹	۸۰۰۰	۰/۹۵۳	۱۱۵
۱۱۱	اسرائیل	۷۶	۹۵	۹۱۸۲	۰/۹۵۷	۱۰۸
۱۱۲	ایالت متحده آمریکا	۷۶	۹۶	۱۷۶۱۵	۰/۹۶۱	۱۲۹
۱۱۳	اتریش	۷۴	۹۹	۱۲۳۸۶	۰/۹۶۱	۱۱۸
۱۱۴	ایرلند	۷۴	۹۹	۸۵۶۶	۰/۹۶۱	۱۰۶
۱۱۵	اسپانیا	۷۷	۹۵	۸۹۸۹	۰/۹۵۶	۱۰۵
۱۱۶	بلژیک	۷۵	۹۹	۱۳۱۴۰	۰/۹۶۶	۱۱۶
۱۱۷	ایتالیا	۷۶	۹۷	۱۰۶۸۲	۰/۹۶۶	۱۰۹
۱۱۸	ژلاندنو	۷۵	۹۹	۱۰۵۴۱	۰/۹۶۶	۱۰۹
۱۱۹	آلمان غربی	۷۵	۹۹	۱۴۷۳۰	۰/۹۶۷	۱۲۰
۱۲۰	فنلاند	۷۵	۹۹	۱۲۷۹۵	۰/۹۶۷	۱۲۱
۱۲۱	انگلستان	۷۶	۹۹	۱۲۲۷۰	۰/۹۷۰	۱۱۳
۱۲۲	دانمارک	۷۶	۹۹	۱۵۱۱۹	۰/۹۷۱	۱۲۳
۱۲۳	فرانسه	۷۶	۹۹	۱۳۹۶۱	۰/۹۷۴	۱۱۹
۱۲۴	استرالیا	۷۶	۹۹	۱۱۷۸۲	۰/۹۷۸	۱۱۴
۱۲۵	نروژ	۷۷	۹۹	۱۵۹۴۰	۰/۹۸۳	۱۲۸
۱۲۶	کانادا	۷۷	۹۹	۱۶۳۷۵	۰/۹۸۳	۱۲۴
۱۲۷	هلند	۷۷	۹۹	۱۲۶۶۱	۰/۹۸۴	۱۱۷
۱۲۸	سوئیس	۷۷	۹۹	۱۵۴۰۳	۰/۹۸۶	۱۳۰
۱۲۹	سوئد	۷۷	۹۹	۱۳۷۸۰	۰/۹۸۷	۱۲۵
۱۳۰	ژاپن	۷۸	۹۹	۱۳۱۳۵	۰/۹۹۶	۱۲۶